

«نظری بر برنامه اساسی جدید اجرایی برای کشورهای کمتر

توسعه یافته در دهه ۱۹۸۰»^۱

مقدمه:

۱- برنامه اساسی جدید اجرایی

پیشنهادات و جمع‌بندی‌هایی را که جهت بهبود شرایط کشورهای کمتر توسعه یافته و اعمال کامل برنامه اساسی جدید اجرایی بتوسط گروه بین‌الدول در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته در اکتبر سال ۱۹۸۵ ارائه گردید میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

— برنامه اساسی جدید اجرایی باید بطور کامل بکار گرفته شده و در این رابطه لازم است که منابع مالی متناسب با نیازهای فوری و بلند مدت توسعه ای کشورهای کمتر توسعه یافته فراهم گردد.

— سازمان‌های بین‌المللی نظیر UNDP, IFAD, IDA و بانک‌های توسعه ای منطقه ای باید کمک‌های خود را مطابق با نیاز روزافزون کشورهای کمتر توسعه یافته بطور قابل ملاحظه ای افزایش داده و کشورهای کمک دهنده نیز کمک‌های خود را از طریق این سازمان‌ها صورت دهند.

— با توجه به اهمیت حیاتی منابع مالی انستیتوی بین‌المللی توسعه در رشد کشورهای کمتر توسعه یافته، هشتمین دور افزایش منابع این سازمان باید بطور قابل ملاحظه ای بالاتر از دوره قبل قرار گیرد.

— سهم کمک‌های رسمی توسعه ای کشورهای صنعتی نسبت به تولید ناخالص ملی آنان باید در ابتدا ۱۵/۰٪ و سپس به ۲ برابر این مقدار برسد.

— انستیتوهای مالی باید کوششهای کشورهای کمتر توسعه یافته را جهت افزایش سرانه تولیدات مواد غذایی مورد حمایت

برنامه اساسی جدید اجرایی برای کشورهای کمتر توسعه یافته در دهه ۱۹۸۰، به عنوان مبنائی برای ادامه همکاری بین کشورهای کمتر توسعه یافته و شرکای توسعه ای آنان در کنفرانس کشورهای کمتر توسعه یافته ملل متحد در سال ۱۹۸۱ به تصویب رسید.

قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطع نامه ۴۰/۲۰۵ مورخ ۱۹۸۵) در حقیقت در تائید این برنامه اساسی به تصویب رسیده که در بخشی از آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تمام دولت‌ها، مؤسسات چند جانبه، سازمان‌ها و... درخواست نمود که اقداماتی هماهنگ، فوری و متناسب را جهت فعال نمودن برنامه مزبور، با در نظر داشتن پیشنهادات و جمع‌بندی‌هایی که تاکنون در جهت هدف تواناسازی کشورهای کمتر توسعه یافته در دستیابی به یک حداقل عملکرد مورد قبول در توسعه اقتصادی و اجتماعی بعمل آمده، بکار گیرند. دبیرکل آنکتاد نیز طی یادداشتی از دولت‌ها دعوت نموده که بمنظور تهیه گزارشی در رابطه با بکارگیری قطع نامه ۴۰/۲۰۵ هرگونه اطلاعات یا اقدامات جدیدی را که مفید تشخیص می‌دهند ارسال دارند. گزارش حاضر، در حقیقت پاسخی به دعوت دبیرکل آنکتاد می‌باشد. اما قبل از ارائه مستقیم این پاسخ مروری بر وضعیت جاری اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته خواهیم داشت.

1) Substantial New Programme of Action (SNPA)

قرار داده و همچنین به تأمین کمک‌های مالی و تکنیکی بمنظور تحقیق، کشف و توسعه منابع انرژی آنان همت گمارند و به کشورهای کمتر توسعه یافته جهت استفاده کامل از ظرفیت‌های تولیدیشان حداکثر کمک را بنمایند.

— سازمان‌های بین‌المللی باید با کوشش‌های هماهنگ، مکانیزم‌های جدیدی که منطبق با نیازهای توسعه‌ای کشورهای کمتر توسعه یافته باشد ارائه دهند. شرایط صندوق بین‌المللی پول باید بنحوی تغییر یابد که نشانگر اولویت‌های ویژه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشورها بوده و بخش عمده‌ای از حق برداشت مخصوص، تسهیلات صندوق امانی و تسهیلات مالی جبرانی به ایندسته از کشورها تخصیص یابد.

— صندوق تأمین مالی جبرانی، باید با توجه به کاهش درآمدهای صادراتی کشورهای کمتر توسعه یافته، آنان را تحت پوشش کامل خود قرار دهد.

— باید به بهره‌ای که کشورهای کمتر توسعه یافته بابت دیون خود پرداخت می‌نمایند سوبسید بسته شده و همچنین دوره بازپرداخت این وام‌ها طولانی‌تر گردد.

— کشورهای صنعتی باید هرچه زودتر معیارهائی بکار گیرند تا کاهش درآمدهای صادراتی کشورهای کمتر توسعه یافته جبران گردد.

— کمک‌های رسمی توسعه‌ای به کشورهای کمتر توسعه یافته باید به شکل کمک‌های بلاعوض درآمده و وام‌هائی که

در اختیار این کشورها قرار می‌گیرد باید از شرایط سهل و آسانی که حداقل، برابر شرایط مؤسسه بین‌المللی توسعه باشد برخوردار گردند. همچنین کشورهای کمک‌دهنده پس از قبول تعهد، مبنی بر کمک مالی به کشورهای کمتر توسعه یافته، باید با ایجاد هماهنگی، از ایجاد وقفه زمانی در پرداخت، خودداری نموده تا دسترسی به منابع مالی، قابل پیش‌بینی‌تر باشد.

— کشورهای کمک‌دهنده در ارائه کمک‌های گوناگون به کشورهای کمتر توسعه یافته باید انتظار پذیرش شرایط قابل قبول را از کشورهای مزبور داشته باشند بطور مثال حمایت از موازنه پرداختها نباید بعنوان یک ابزار فشار سیاسی به کشورهای کمتر توسعه یافته بکار رود. همچنین نباید مشروط به قبول معیارها و برنامه‌هائی باشد که منجر به توقف اهداف توسعه‌ای و اولویت‌ها و به منزله خدشه‌دار نمودن عدم وابستگی سیاسی و استقلال ملی آنان گردد و هزینه‌های اجتماعی بالائی برای آنان ببار آورد.

— باید گامهائی در جهت بهبود بکارگیری سیستم عمومی ترجیحات و یا اصل کامله‌الوداد برای تولیدات کشورهای کمتر توسعه یافته بتوسط کشورهای صنعتی برداشته شده و دستیابی به بازارهای کشورهای صنعتی بدون برخورد با موانع گوناگون تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بر آنان امکان‌پذیر گردد.

— کشورهای صنعتی و سازمان‌های بین‌المللی باید به کشورهای کمتر توسعه یافته جهت خلق صنایع برای ایجاد ارزش افزوده بیشتر بر روی مواد خام و تولیدات غذائی کمک نموده و به بسط پروژه‌هائی که منجر به توسعه صادرات و تهیه منابع کافی جهت رفع مشکلات و عرضه آنان خواهند گردید، پردازند.

— کشورهای صنعتی باید کشورهای کمتر توسعه یافته را در موافقت‌نامه‌های بلند مدت صادراتی وارد نمایند.

۲- مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته

برنامه اساسی جدید اجرائی برای کشورهای کمتر توسعه یافته در دهه ۱۹۸۰ در حقیقت بر این مبنا تدوین گردید تا مشکلات بسیار عمیق و بنیانی این گروه از کشورها را بررسی و آن را تخفیف دهد. مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی

کشورهای کمتر توسعه یافته را میتوان بطور خلاصه بترتیب زیر بیان نمود:

کشورهای کمتر توسعه یافته، فقیرترین و از نظر اقتصادی ضعیف‌ترین کشورها از گروه کشورهای در حال توسعه بوده که با شدیدترین موانع زیربنایی روبرو می‌باشند. کمبودهای زیربنایی این گروه از کشورها بطور گسترده‌ای در سطح پائین درآمد سرانه، نسبت بالای جمعیت در بخش کشاورزی، رشد بسیار بالای جمعیت، تولید اندک کشاورزی، سطح پائین اکتشافات منابع طبیعی، زیربنای ضعیف سازمانی، کمبود شدید پرسنل متخصص، سهم ناچیز ارزش افزوده مصنوعات در تولید ناخالص داخلی و وقوع بلیه طبیعی جلوه نموده که توأم با باعث میشوند تا مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی برای آنها بیار آید.

علیرغم توجهات سازمانهای بین‌المللی جهت پیدا نمودن راه حلی با دوام برای مشکل کشورهای کمتر توسعه یافته به ویژه از طریق SNPA در سال ۱۹۸۱، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها رو به وخامت نهاده است؛ بحدیکه تعداد آنان که در سال مزبور فقط ۳۱ کشور بود هم اکنون به ۴۰ رسیده اما در این میان قاره آفریقا بعنوان نتیجه‌ای از شرایط نامطلوب اقتصادی بین‌المللی و همچنین وضعیت بد آب و هوایی در طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ بدترین سهم را از این تغییرات داشته و تعداد کشورهای کمتر توسعه یافته این قاره در طی مدت مزبور از ۲۱ به ۲۷ کشور رسید. بلیه طبیعی، توانایی در تولیدات کشاورزی در آفریقا را که منبع اصلی ایجاد ارزش افزوده بود، تقلیل داد و باعث گردید که فعالیت‌ها بجای آنکه معطوف به برنامه‌های توسعه‌ای گردند، فقط در جهت بقای انسانها باشند. بطور کلی آمارهای مربوط به فعالیت‌های مختلف اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته در سالهای اخیر بسیار نگران کننده بوده است. عملکرد در بخش کشاورزی که عمده‌ترین

عامل رشد ایندسته از کشورها می‌باشد از شروع دهه ۱۹۸۰ در حال کاهش بوده و در طی اینمدت درآمد سرانه در این کشورها از رشدی منفی برخوردار بوده است.

صادرات کشورهای کمتر توسعه یافته نیز در طی سالهای اولیه، دهه ۱۹۸۰ دچار تغییرات شدیدی شده و با توجه به اینکه قیمت تقریباً کلیه مواد اولیه که موضوع صادرات این کشورها بوده در سالهای اخیر کاهش شدید یافته، نتیجتاً بر درآمدهای صادراتی آنان تاثیر گذارده بحدیکه کاهش در درآمدهای صادراتی کشورهای کمتر توسعه یافته جهان در طی سالهای ۸۳-۱۹۷۸ سالیانه بالغ بر ۷۷۰ میلیون دلار بوده است. کاهش این درآمدها بناچار بر روی ظرفیت واردات اثر گذارده بطوریکه در طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ واردات این کشورها نیز ۶ درصد، افت داشته است.

۳- ریشه‌یابی مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با کشورهای کمتر توسعه یافته جهان برشمردیم، در ریشه‌یابی علل مشکلات مزبور به ویژه در نیمه اول دهه ۱۹۸۰، بطور مشخص می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

— توقف در روند رشد میزان کمک‌های رسمی توسعه‌ای در طی سالهای ۱۹۸۰الی ۸۴، درحالیکه این کمک‌ها در طی دهه ۱۹۷۰ از رشد سالیانه‌ای معادل ۷۰٪ برخوردار بودند. لازم به توضیح است که میزان کمک‌های رسمی توسعه‌ای در سال ۱۹۸۴ بطور متوسط بالغ بر ۰/۰۸ درصد از تولید ناخالص کشورهای کمک‌دهنده بوده درحالیکه، هدف تعیین شده رقم ۰/۱۵ درصد می‌بود.

— کاهش کمک‌های مالی مؤسسات چند جانبه. بطور کلی باید گفت که مجموع کمک‌های خارجی به کشورهای کمتر توسعه یافته که در سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۸/۲

میلیارد دلار بود در سال ۱۹۸۴ به ۷/۵ میلیارد دلار تنزل پیدا نمود که حتی از نظر اسمی کاهش ۱۰٪ را نشان میدهد.

— بعثت رشد سریع دیون خارجی کشورهای کمتر توسعه یافته در طی دهه ۱۹۷۰ و به عنوان نتیجه ای از اثرات معکوس بحران اقتصادی جهانی در نیمه اول دهه ۱۹۸۰، بر ظرفیت کشورهای مزبور جهت بازپرداخت اصل و فرع دیون، فشار زیادی وارد آمده است. میزان بازپرداخت اصل و فرع دیون بتوسط این کشورها حدود ۲ میلیارد دلار در سال می باشد که قریب ۲۰ درصد از کل ارزش صادرات آنها را تشکیل میدهد.

— ارائه موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای در بازارهای وارداتی برای کشورها کمتر توسعه یافته به توقف در روند صادرات آنان منجر شده و علیرغم تعهدات گوناگون کشورهای صنعتی، آنها کماکان به اعمال اینگونه محدودیت ها بر روی صادرات کشورهای کمتر توسعه یافته می پردازند. سقوط قیمت های بین المللی مواد اولیه از دیگر مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته بود و با توجه به این حقیقت که حدود ۸۵٪ از صادرات این کشورها متشکل از تولیدات اولیه می باشد که سقوط قیمت های آن، درآمدهای ارزی این کشورها را تنزل داده، لیکن اقدامات چندانی جهت رفع این معضل برای کشورهای کمتر توسعه یافته بعمل نیامده و تسهیلات جبرانی تحت طرح های مالی موجود ناکافی بوده و هنوز تعهداتی که در رابطه با برنامه اساسی جدید اجرائی بمنظور تهیه وجوه لازم برای کشورهای کمتر توسعه یافته جهت تأمین کاهش درآمدهای صادراتی آنان داده شده به مرحله عمل درنیامده است.

۴— اقدامات انجام شده بتوسط کشورهای کمتر توسعه یافته

کشورهای کمتر توسعه یافته جهان در طی سالهای تشدید

وخامت اوضاع اقتصادی خود، دست به اقدامات اصلاحی زده که از جمله آنان میتوان اقدامات زیر را برشمرد:

— از سال ۱۹۸۱ تاکنون ۱۳ کشور کمتر توسعه یافته درخواست تغییر در برنامه بازپرداخت وامهای رسمی و ۵ کشور نیز تقاضای تغییر برنامه بازپرداخت وامهای تجاری خود را نموده اند. بعلاوه تعداد دیگری از کشورهای کمتر توسعه یافته نیز در آینده به علت ازدیاد حجم دیون، ناچار به تقاضای تغییر در برنامه بازپرداخت بمنظور مطابقت با تعهدات خود خواهند بود. البته باید توجه نمود که این تغییر در برنامه های بازپرداخت، ناکافی بوده زیرا تسکینی موقتی می باشد که احتمالاً در آینده بر حجم دیون آنان خواهد افزود.

از سال ۱۹۸۱ تعداد ۱۹ کشور کمتر توسعه یافته به فرمولبندی و بکارگیری برنامه های تعدیل اقتصادی پرداخته که این برنامه ها از طریق قراردادهای احتیاطی صندوق بین المللی پول حمایت میگردد. اما اتخاذ چنین برنامه هایی در زمان عدم افزایش در جریان منابع مالی خارجی، منجر به کاهش شدید در واردات شده که بنوبه خود سرمایه گذاری و هزینه های اجتماعی را کاهش داده و رشد اقتصادی را تقلیل میدهد.

— از دیگر اقدامات بعمل آمده، در کشورهای کمتر توسعه یافته بمنظور بهبود شرایط اقتصادی میتوان اتخاذ سیاست های موثر جهت تحرک منابع داخلی، بسط تولیدات غذایی و مواد کشاورزی و توسعه تجارت خارجی آنها، بکارگیری سیاست های مناسب تر مالیاتی و بالاخره همگانی تر نمودن آموزش و مکانیزه کردن کشاورزی را نام برد.

۵— جمع بندی و پیشنهادات

تحولات غیر مناسب در اقتصاد جهانی در حالیکه در طی سالهای اخیر باعث وسیع تر شدن ابعاد مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته گردیده، در سال ۱۹۸۶ نیز ادامه یافته است.

در این خصوص به ویژه میتوان به کاهش شدید در رابطه مبادله این کشورها اشاره نمود که به مرحله خطرناکی رسیده و اثرات منفی چنین تحولاتی بر روی توسعه ایندسته از کشورها بسیار ناخوشایند خواهد بود. از دیگر پدیده‌های در حال شدت گرفتن برای کشورهای کمتر توسعه یافته در سالهای اخیر، انتقال معکوس منابع مالی می باشد. در سال گذشته میلادی همانند سالهای قبل از آن، جریان منابع مالی به کشورهای کمتر توسعه یافته در حال کاهش بوده و این عمل در زمانی استمرار می پذیرفت که نیاز این کشورها به منابع مالی جهت توسعه و اتخاذ سیاست‌های تعدیلی توأم با رشد، بطور قابل ملاحظه‌ای در حال افزایش بوده است. این عوامل باعث گردیده اند تا بکارگیری برنامه‌های تعدیلی توأم با رشد و دستیابی به رشدی مستمر تحت شرایط موجود خارجی، یعنی رشد اندک اقتصادی جهانی همراه با انتقال منفی منابع به کشورهای کمتر توسعه یافته، افزایش سیاست‌های حمایتی در کشورهای صنعتی، نرخ برابری ارزی بی ثبات، نرخ واقعی بالای بهره، قیمت‌های پائین و در حال تنزل مواد اولیه، و رو به وخامت بیشتر گذاردن رابطه مبادله برای کشورهای کمتر توسعه یافته (و همچنین سایر کشورهای در حال توسعه)، بهیچ وجه امکان پذیر نگردد.

بحران در حال افزایش دیون به مرحله خطرناک و جدیدی رسیده است. تعداد در حال افزایش کشورهای بدهکار در وضعیتی بسر می برند که قادر نمی باشند تعهدات دیون خود را ایفا نموده یا همراه با باز پرداخت بدهیهای خود، رشدی مستمر ولو اندک حاصل نمایند. آینده برای کشورهای کمتر توسعه یافته ایکه بسیاری از آنها در حال حاضر دست به برنامه‌های تعدیلی همراه با رشد زده اند مستمراً تیره تر میگردد.

با توجه به مشکلات و مصائبی که برای کشورهای کمتر توسعه یافته جهان برشمردیم، بنظر میرسد که علیرغم تمام

تعهدات و برنامه‌های پیش بینی شده، اقدامات چندانی در جهت رفع معضلات این کشورها بعمل نیامده است. باید توجه داشت که عدم توازن مزمن و عظیم در اقتصاد جهانی که شامل افزایش شکاف در سطح زندگی کشورهای صنعتی و در حال توسعه میباشد، از طریق اتخاذ سیاست‌های داخلی به تنهایی قابل حل نیست. بنابراین در حالیکه نیاز به تقویت سیاست‌های داخلی و پس انداز می باشد، کلیند بهره‌وری از امکانات بالقوه توسعه‌ای این کشورها، در بهبود شرایط پولی، مالی و تجاری جهانی است.

برای بعضی از کشورها هر چند میزان دیونشان با حجم اقتصاد آنها سازگار بوده اما باز پرداخت آنها ممکن است با رشدشان مطابقت نداشته باشد. این عدم تطابق باعث اثرگذاری بر روی ظرفیت رشد شده، زیرا توانائی آنها را به واردات کاهش داده، باعث وقفه در انجام تصحیحات مالی شده، خروج سرمایه را تشویق نموده، سرمایه‌گذاری داخلی را متوقف و سرمایه‌گذاری خارجی را تهدید خواهد کرد.

راه موثر و واقع بینانه و مستمر برای مشکل بدهی، در نظر گرفتن ظرفیت باز پرداخت این کشورها و تأمین مالی توسعه‌ای برای آنان است. بنابراین راه حل مشکل دیون باید براساس باز پرداخت مناسب بدهی و تجدید جریان منابع مالی به کشورهای بدهکار، جهت تضمین یک رشد قابل قبول اقتصادی و هماهنگ با اولویت‌های ملی تدوین یابد. باید اذعان نمود که رشد اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته شرط لازم برای یک راه حل قابل قبول جهت عبور آنان از مشکل دیون می باشد. مسئولیت دستیابی به این هدف باید بتوسط همین کشورها و کشورهای صنعتی بطور متساوی و همچنین مشارکت فعال انستیتوهای مالی چند جانبه انجام پذیرد. در این راه کشورهای صنعتی باید با اتخاذ سیاست‌هایی، راه دسترسی به رشدی مستمر را هموار نموده، نرخ واقعی بهره را کاهش داده و

بازار ارزها را از ثبات بیشتری برخوردار سازند. اتخاذ معیارهایی جهت کاهش حمایت گرائی در کشورهای صنعتی، بهبود رابطه مبادله برای کشورهای کمتر توسعه یافته، افزایش جریانات مالی و به ویژه کمک های اعطائی به کشورهای نیازمند، از مهمترین موارد جهت رفع نیازها و مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته می باشد. در این رابطه همچنین باید بطور مشخصی از کشورهای با مازاد و کشورهای که در سالهای اخیر منابع عظیمی از تغییرات رابطه مبادله کسب نموده اند درخواست گردد که این نقدینه ها را در اختیار کشورهای نیازمند بگذارند.

از دیگر مواردی که به رفع مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته می انجامد، تخصیص بیشتر منابع به بخش کشاورزی و اولویت دادن به آن است. باید توجه نمود که سیاست های تجاری و کشاورزی کشورهای صنعتی دچار بی نظمی گردیده که از مشخصه های آن محدودیت واردات، سوبسید صادرات با اثراتی که بر قیمت های بین المللی دارد و محرومیت تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه از بهره گیری کامل از مزیت های نسبی و انباشته گردیدن محصولات می باشد.

از کشورهای صنعتی باید مصرأ خواسته شود که گامهای اساسی برای تعدیل سیاست های کشاورزی و تجاری خود به نحوی که اثرات مضر سیاست های گذشته از روی بازار کالاهای کشاورزی و آینده کشورهای در حال توسعه برداشته شود، بردارند.

با اینهمه باید به نکته ای اشاره نمود، با توجه به درخواست های مکرر از کشورهای صنعتی در جهت تصحیح سیاست های اقتصادی، و علیرغم تعهدات این کشورها، باز مشاهده میگردد که نه تنها گامی در جهت رفع نیازهای کشورهای فقیر جهان برداشته نشده بلکه با اعمال نفوذ در کشورهای صنعتی، بر مشکلات این کشورها افزوده میگردد. با آنکه همواره بر نقش IDA و منابع آن در توسعه کشورهای فقیر جهان تأکید بسیار میگردد، اما متأسفانه در ماههای اخیر نظاره گر تغییرات بسیار وسیع در شرایط وامدهی این سازمان بوده، بحدی که توانائی کشورهای فقیر جهان را جهت باز پرداخت وامهایی که از این پس از مؤسسه بین المللی توسعه، اخذ خواهند نمود در پرده ای از ابهام فرو خواهد برد. بنابراین پیشنهاد میشود که سازمان های بین المللی و دول صنعتی جهان اگر گامی در جهت رفع نیازهای کشورهای فقیر بر نمی دارند حداقل روند تشدید مشکلات آنان را متوقف سازند. متأسفانه روند تعدیل جهانی، کشورهای فقیر را مجبور به مطابقت با شرایطی می نماید که، خود آنان را خلق ننموده اما هزینه های اجتماعی گزاف آن را جهت حمایت از تعدیل بمنظور رفع شرایط ناخواسته، باید متحمل گردند. بنظر می رسد SNPA نیز یک برنامه دیگر، از سری برنامه های سازمان ها و مجامع بین المللی جهت تبلیغات در رفع نیازهای کشورهای فقیر جهان بوده و اگر میل و اراده سیاسی کشورهای صنعتی در جهت رفع نارسائیهای سیاست های اقتصادی خود قرار نگیرد بیقناً این برنامه نیز با شکست روبرو خواهد گردید.